



پیشتر گفته‌ایم<sup>۱</sup> که عادهً، رمز (symbole) با تمثیل (allégorie) و «تأویل»<sup>۲</sup> با تفسیر تمثیلی<sup>۳</sup>، خلط می‌شود و همانجا خاطر نشان ساختیم که تفسیر تمثیلی، «صادق و امین» است، چون تمثیل، استتار یا پوشش مبدل چیزیست که خود، شناخته یا شناختنی است، حال آنکه تصویر رمزی، نامشروط و غیرقابل تحویل و تقلیل به چیز دیگریست، و در واقع، پدیده‌ایست نوظهور و نمودگار معنایی که به طریقی دیگر، در آفاق ذهن مان ظاهر نمی‌تواند شد.

بنابراین می‌توان گفت که رمزپردازی می‌کوشد تا مستقیماً، امری

۱. جلال ستاری، مدخلی بر رمزشناسی عرفانی، نشر مرکز، ۱۳۷۳.

2. L' exégèse du sens spirituel.

۳. برای آگاهی از مباحثاتی که دربارهٔ فرق میان این دو درمی‌گیرد، به عنوان مثال نک به: «بحث و تحقیقی دربارهٔ تأویل و تفسیر» (کیهان اندیشه، شماره ۳۹، سال ۱۳۷۰) و مقالهٔ انتقادی: بررسی «گفتاری در تأویل و تفسیر»، به قلم محمد بیانی اسکوئی، کیهان اندیشه، شماره ۴۰، بهمن و اسفند ۱۳۷۰.

«واقع» را برما مکشوف سازد آنچنان که هیچ نحوه اندیشگی دیگر، نمی‌تواند بدان مقصود نائل آید. در نتیجه چنین می‌نماید که رمز، از تجربه‌ای عینی، ترجمانی نمی‌کند، بلکه حکماً تجربه یا ادراک مفهومی (رمزی) است که اولی و نخستین است و از جمله مفاد بی‌واسطه. ازینرو تصدیق باید کرد که رمز، دست کم در نظر آدم ناوارد، نسبت به صورت ذهنی یا پنداره (idée)، من‌عندی می‌نماید؛ اما این اشتباهی عقل‌گرایانه است؛ زیرا به زعم بعضی رمز‌شناسان تصوّر اینکه مبدأ حرکت، در آغاز، صورت ذهنی بوده است و ما بعداً بر آن، جامه رنگارنگ رمز پوشانده‌ایم، نادرست است. بلکه برعکس نخست رمز می‌آید و سپس، به صورت ذهنی عقلانی، تبدیل یا تعبیر می‌شود و به همین جهت، متن یا معنای اصلی، لامحاله، فقیرمایه می‌گردد.<sup>۱</sup>

آنچه گفتیم به اصل و ریشه رمز مربوط می‌شود، اما مسأله عمده دیگر، کارکرد یا کنش رمز است. در این باره، همانگونه که پیشتر توضیح داده‌ایم، به طور خلاصه، در یک کلام و نسخه‌وار می‌توان گفت که تمثیل، حرکتی خطی و افقی دارد یعنی در یک سطح (عالم معقولات، مشهودات، محسوسات حاضر یا غایب) پیش می‌رود، حال آنکه رمز،

---

۱. سخنی از آقای عبدالکریم سروش را به همین معنی تعبیر می‌کنیم آنجا که می‌گویند: «دین پُر از راز و رمز است. همه شخصیت ما، همه سرمایه ما اینهاست. این هنر نیست که آدمی یک مخزن پُر را خالی کند. چه هنری است که شما مخزنی را که پُر از راز است و حیرت‌انگیز... خالی کنید؟ به طور مثال جریان ذبح اسماعیل، جریان معراج، چرا یک پدر می‌خواهد فرزند خود را سربرد و چطور فرزندش تن می‌دهد؟ مسأله معاد، مسأله انسان، هیچکدام را نمی‌شود در چهار یا پنج جمله نوشت. اگر جواب این سؤال‌ها داده شود، حیرت از دین گرفته می‌شود و ما دیگر هیچ نداریم، آن وقت دین خشن می‌شود.»

سخنرانی در مسجد اقدسیه، به نقل از جهان اسلام، مورخ ۱۳۷۳/۱/۱۹. برگرفته از شماره مخصوص هفته‌نامه صبح ویژه بررسی آراء و عقاید عبدالکریم سروش. شانزدهم آبانماه

موجب یا وسیله انتقال یا صعود ذهن از مرتبه‌ای به مرتبه دیگر اما ناشناخته و غیبی است، آنچنان که کسی از نردبانی بالا رود و یا برعکس پله پله فرود آید، با این تفاوت که «آن مرتبه دیگر»، مجهول، جز به زبان رمز، شناختنی و گفتنی نیست. چون رمز به معنای وسیع کلمه، تعریف واقعی انتزاعی یا احساس و تصویری غائب برای حواس، به یاری تصویر یا شیء است، حال آنکه پله‌های نردبان همه مشهود و معلوم‌اند ورنه خطر لغزش و سقوط هست. به سخنی دیگر، می‌توان گفت که تمثیل به رغم آنکه ممکن است دوربرد باشد، تک بعدی و «سطح‌پوی» است، حال آنکه در رمز، بُعدی در عمق یا علو، اعتبار می‌توان کرد. ذکر چند مثال از «تمثیل»، مطلب را روشن خواهد ساخت:

به اعتقاد بعضی، در نظر یهود اسکندریه، جامه رنگارنگ خاخام اعظم یا ربانی اسرائیلی، «تمثیل» چهار عنصر کیهان بوده است و شمعدان هفت شاخه، «تمثیل» هفت ستاره، و معبد یاهیکل روی زمین، «تمثیل» ی از معبد خداوندی یعنی جهان که حرمش، مقدس‌ترین بخش طبیعت یعنی آسمان است و اشیاء متبرکش، «تمثیل» کرات و سیارات و کاهانش، «تمثیل» فرشتگان. اما البته می‌توان این «تمثیلات»، را به اعتباری، «رمز» هم تلقی کرد، چون درست است که در همه این موارد، بنا به منطقی رمز و تمثیل، تصویری با تصویری دیگر و یا شیئی با شیئی دیگر، نمودار یا تمثیل شده‌اند، زیرا ذهن بشر میان آنها رابطه‌ای تمثیلی و دالّ بر مشابَهت یافته است که گاه محسوس و عینی است، و گاه غیرمادی و انتزاعی، همانگونه که استعاره یا مجاز و تشبیه نیز مبتنی بر همین پیوند و مناسبت‌اند؛ منتهی این رابطه و پیوند به گونه‌ای برقرار و استوار شده، که مرغ ذهن را از قفس حیات انضمامی و مخالط می‌رهاند و در آفاقی ناشناخته، به پرواز درمی‌آورد. بنابراین مثال‌هایی که ذکر شدند، رسا نیستند، و بدین جهت مثال‌های دیگری می‌آوریم.